

کتاب دانیال — یک صد و هفتاد و شش

مکاشفۃ الہی و بیداری نہایی: بصیرت‌ہایی از رؤیای دانیال

Jeff Pippenger

2024-04-06

در باب دہم دانیال، جبرئیل در حال انجام کاری است کہ عبارت است از ارائه تفسیر کامل کتاب دانیال بہ قوم خدا در ایام آخر. دانیال نمایندہ قوم خدا در ایام آخر است کہ در کتاب مکاشفہ، همان یکصد و چہل و چہار ہزار نفر ہستند. از این رو، یکصد و چہل و چہار ہزار نفر بیدار می‌شوند تا دریابند کہ پراکنده شدہ‌اند، چنان کہ دانیال در باب نهم نمایانگر آن است. آنان ہمچنین بہ این فہم بیدار می‌شوند کہ آزمون عظیمی کہ سرنوشت ابدی ایشان بہ واسطہ آن تعیین می‌شود، آزمون تصویر وحش است؛ آزمونی کہ پیش از مہر شدن ایشان، و پیش از آن کہ مہلت توبہ با قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ بستہ شود، رخ می‌دہد. آنان بر سر یاس و نومیدی ای کہ در ۱۸ ژوئہ ۲۰۲۰ با آن مواجه شدند، ماتم می‌کنند، و در آن حالت، رؤیایی از مسیح در قدس الاقداس بہ ایشان عطا می‌شود، چنان کہ اشعیا در باب ششم نمایانگر آن است.

آن رؤیا، چنان کہ ہم دانیال و ہم اشعیا آن را بازمی‌نمایانند، بہ ایشان امکان می‌دہد کہ حالت فاسد خویش را در حضور خداوند جلال ببینند، و ہر دو تا بہ خاک مذلت فروتن می‌شوند. سپس اشعیا آن پرسش را می‌شنود کہ خدا چہ کسی را نزد قوم خویش خواہد فرستاد، و اشعیا داوطلب می‌شود، اما نخست تطہیر می‌گردد.

پس گفتم: وای بر من! زیرا ہلاک شدہ‌ام؛ چون مردی ناپاک لب ہستم و در میان قومی ناپاک لب ساکنم؛ زیرا چشمانم پادشاہ، یہوہ صباوت را دیدہ است. آنگاہ یکی از سرافیم نزد من پرواز کرد، در حالی کہ اخگری افروختہ در دست داشت کہ آن را با انبر از روی مذبح گرفتہ بود. و آن را بر دہانم نہاد و گفت: اینک، این لب‌ہای تو را لمس کردہ است؛ و گناہت برداشتہ شد و خطایت کفارہ گردید. و نیز آواز خداوند را شنیدم کہ می‌گفت: کہ را بفرستم، و چہ کسی برای ما خواہد رفت؟ آنگاہ گفتم: اینک من، مرا بفرست. اشعیا ۵: ۶-۸.

اشعیا با اخگری از روی مذبح تطہیر شد، و دانیال بہ واسطہ مشاہدہ رؤیای سببی آینہ‌گون—کہ سبب می‌شود ببینند بہ صورتی کہ می‌نگرد دگرگون گردد—تطہیر یافت. بہ اشعیا گفتہ می‌شود کہ این پیام را نزد قومی ببرد کہ با آنکہ می‌شنوند، نمی‌شنوند، و با آنکہ می‌بینند، نمی‌بینند.

اور اُس نے فرمایا، جا، اور اِس قوم سے کہ، تم سنتے تو رہو، مگر سمجھو نہیں؛ اور دیکھتے تو رہو، مگر ادراک نہ کرو۔ اِس قوم کے دل کو موٹا کر دے، اور اُن کے کانوں کو گراں کر دے، اور اُن کی آنکھیں بند کر دے؛ ایسا نہ ہو کہ وہ اپنی آنکھوں سے دیکھیں، اور اپنے کانوں سے سنیں، اور اپنے دل سے سمجھیں، اور رجوع کریں، اور شفا پائیں۔ یسعیاہ 6: 9، 10.

اشعیا می‌خواہد بداند تا چہ مدت باید با مردمی سروکار داشتہ باشد کہ نہ می‌فہمند و نہ ادراک می‌کنند؛ از این رو می‌پرسد: «تا بہ کی؟»

پس من گفتم: ای خداوند، تا بہ کی؟ و او پاسخ داد: تا آن گاہ کہ شہرہا بی‌ساکن ویران شوند، و خانہ‌ہا از انسان تہی گردند، و سرزمین بہ کلی خراب شود، و خداوند آدمیان را بہ دور دست‌ہا ببرد، و در میان سرزمین، ترک شدگی عظیمی پدید آید. اشعیا ۱۱: ۶، ۱۲.

سرزمینی کہ موضوع نبوت کتاب مقدسی در ایام آخر است، ایالات متحدہ است، کہ ہنگامی کہ ویرانی ملی بر اثر ارتداد ملی قانون یکشنبہ پدید می آید، «بہ کلی ویران» می شود۔ آیہ چہل و یک دانیال یازدہ، بہ وسیلہ آیہ شانزدہ ہمان باب نمونہ سازی شدہ است۔ در آیہ چہل و یک، «ترک عظیم در میان زمین» بہ عنوان فروافکنندہ شدن «بسیاری» شناختہ می شود۔ پیام اشعیا، کہ عیسی ہنگامی کہ در تاریخ خود در میان انسان ہا یہودیان خردہ گیر را خطاب می کرد بہ آن اشارہ نمود، مشخص می سازد کہ چون قومی کہ پیش تر اہل عہد بودند کنار گذاشتہ می شوند، آنگاہ گوش ہا و چشم ہایی دارند کہ نمی فہمند و درک نمی کنند۔ پیام اشعیا نمایانگر آخرین دعوت بہ آدونتیسملائودیکہ است، کہ در قانون یکشنبہ پایان می یابد، جایی کہ آدونتیسملائودیکہ از دہان خداوند بیرون افکنندہ می شود۔

او بہ سرزمین جلال نیز داخل خواہد شد، و کشورہای بسیاری سیرنگون خواہند گردید؛ اما اینان از دست او خواہند رست: یعنی ادوم، و موآب، و برگزیدگان بنی عمون۔ دانیال ۱۱:۴۱۔

۱۱:۴۱ لایا و دانیال مسئولیت می یابند کہ ندای نہایی را بہ لائودیکہ عرضہ کنند، و دانیال با سومین لمس در باب دہم برای این مأموریت تقویت می شود۔

پس آن کہ بہ شباهت انسان بود بار دیگر آمد و مرا لمس کرد و بہ من قوت بخشید، و گفت: «ای مرد بسیار محبوب، مترس؛ سلامتی بر تو باد؛ قوی باش، آری، قوی باش.» و چون با من سخن گفت، تقویت یافتہ و گفتم: «سرورم سخن بگوید، زیرا مرا قوت بخشیدہ ای.» دانیال ۱۰:۱۸، ۱۹

دانیال تقویت شد تا پیامی را کہ ہنگامی کہ میکائیل در فصل دہم فرود آمد، بدان پی بردہ بود، ابلاغ کند۔ بہ اشعیا اعلام شد کہ باید آن پیام را تا زمان قانون یکشنبہ ابلاغ نماید۔ در ہنگام قانون یکشنبہ، باقیماندہ ای برقرار خواہد شد۔

پس من گفتم: «ای خداوند، تا بہ کی؟» و او پاسخ داد: «تا آن گاہ کہ شہرہا ویران و بی ساکن شوند، و خانہ ہا از آدمی خالی گردند، و سرزمین بہ کلی متروک شود، و خداوند مردمان را بہ دور دست ہا ببرد، و در میان زمین ترک و ویرانی عظیمی پدید آید۔ اما با این ہمہ، ہنوز در آن یک دہمی خواہد بود، و آن باز خواہد گشت، و خوردہ خواہد شد؛ ہمچون درخت بطم و ہمچون بلوط، کہ چون برگ ہای خود را فرو می ریزند، مایہ و جوہرشان در آنہا باقی می ماند؛ ہمچنین نسل مقدس، مایہ و جوہر آن خواہد بود.» اشعیا ۶:۱۱-۱۳

ہنگامی کہ «ترک عظیمی در میان زمین» پدید آید (در زمان قانون یکشنبہ)، «دہ یک» ی آشکار خواہد شد کہ «ماہیت» آن «نسل مقدس» است۔ ریشہ واژہ عبری ترجمہ شدہ بہ «دہ یک»، «عشر» است۔ خداوند در زمان قانون یکشنبہ، «عشری» را خواہد داشت کہ «بازگشتہ اند»۔

اور زمین کی تمام دہ یکم، خواہ زمین کے بیچ میں سے ہو یا درخت کے پھل میں سے، خداوند ہی کی ہے؛ وہ خداوند کے لیے مقدس ہے۔ اور اگر کوئی شخص اپنی دہ یکم میں سے کچھ بھی فدیہ دے کر چھڑانا چاہے تو وہ اس پر اس کا پانچواں حصہ مزید بڑھا دے۔ اور گلہ یا ریوڑ کی دہ یکم کے بارے میں، یعنی ہر اس چیز میں سے جو لٹھی کے نیچے سے گزرتی ہے، دسواں حصہ خداوند کے لیے مقدس ہوگا۔ احبار 30:27-32۔

دہم» ی کہ «بازمی گردد» برای خداوند مقدس است، و آن نصیب خداوند است۔

زیرا نصیب خداوند قوم اوست؛ یعقوب بہرہ میراث اوست۔ تثنیہ 32:9۔

کسانی کہ پیش از قانون یکشنبہ بازگشتہ اند، ہمان کسانی ہستند کہ بہ وسیلہ ارمیا نمایاندہ شدہ اند؛ آنان کہ نخستین نومیدی را متحمل شدہ اند، و خداوند بہ ایشان وعدہ دادہ بود کہ اگر بازگردند، دہان

خداوند، یا سخنگویان او، خواهند بود.

سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم؛ و کلامت برای من شادی و مسرت دل من گردید؛ زیرا ای یهوه، خدای لشکرها، من به نام تو خوانده شده‌ام. در مجلس استهزاکنندگان ننشستم و شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو تنها ننشستم، زیرا مرا از غضب پر ساخته‌ای. چرا درد من دائمی است و زخم من علاج‌ناپذیر، که از شفا یافتن سر باز می‌زند؟ آیا تو برای من به‌راستی چون جویباری فریبنده و چون آب‌هایی خواهی بود که فرو می‌مانند؟ پس خداوند چنین می‌فرماید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گران‌بها را از بی‌ارزش جدا سازی، همچون دهان من خواهی بود. بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. و تو را برای این قوم حصاری از دیوار برنجین خواهم ساخت؛ و با تو خواهند جنگید، اما بر تو غالب نخواهند آمد؛ زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رهایی بخشم، خداوند می‌فرماید. و تو را از دست شیریان خواهم رهانید، و از چنگ سهمگینان فدیة خواهم داد. ارمیا ۱۵: ۱۶-۲۱.

بقیه، یا آن دهمی که در شهادت اشعیا بازمی‌گردد، می‌بایست خورده شود؛ زیرا پیام خدا به ایشان سپرده شده بود، و کلام او می‌بایست خورده شود. آنان کسانی بودند که دهان خدا می‌شدند، و بدین‌سان کلام خدا را که می‌بایست از سوی جویندگان نجات خورده شود، ارائه می‌کردند. ارمیا در «مجمع مسخره‌کنندگان» ننشست، زیرا همان‌گونه که درباره دانیال نیز بود، هنگامی که رؤیا را دید، «مجمع مسخره‌کنندگان» گریخت. ارمیا گمان کرده بود که خدا به او دروغ گفته است، زیرا دست خدا نخستین نومیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ را در تاریخ میلریتی، و ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را در ایام آخر، اجازه داده بود. وعده برای ارمیا این بود که اگر «بازگردد»، و در فراز اشعیا، آن «دهم» «بازمی‌گردد».

Si Jeremías «vuelve», forma parte del «décimo» de Isaías, el cual es santo y es la porción del Señor, cuya «sustancia» está en ellos. La palabra hebrea «sustancia» significa una columna, y ser hecho «columna» es la promesa dada a los de Filadelfia

او که غالب آید، او را ستونی در هیکل خدای خود خواهم ساخت، و دیگر هرگز از آن بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای خود و نام شهر خدای خود را، یعنی اورشلیم جدید را، که از آسمان از جانب خدای من نازل می‌شود، بر او خواهم نوشت؛ و نام جدید خود را نیز بر او خواهم نوشت. هر که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. مکاشفه ۳: ۱۲، ۱۳.

«ستون»، یعنی «جوهر» ایشان، نمایانگر پیوند الوهیت و انسانیت است، زیرا مسیح همان «ستون»ی است که هیکل را نگاه می‌دارد.

«در حالی که در این حالت افسردگی بودم، خوابی دیدم که تأثیری عمیق بر ذهنم گذاشت. در خواب دیدم معبدی را که اشخاص بسیاری به سوی آن روی می‌آوردند. تنها کسانی که در آن معبد پناه می‌گرفتند، هنگامی که زمان به پایان می‌رسید، نجات می‌یافتند. همه آنان که در بیرون باقی می‌ماندند، برای همیشه هلاک می‌شدند. انبوه مردمان بیرون، که هر یک به راه‌های گوناگون خود می‌رفتند، کسانی را که وارد معبد می‌شدند، استهزا و تمسخر می‌کردند و به ایشان می‌گفتند که این نقشه نجات، فریبی زیرکانه است، و در حقیقت هیچ خطری وجود ندارد که لازم باشد از آن اجتناب شود. حتی برخی را نیز می‌گرفتند تا از شتافتن ایشان به درون دیوارها جلوگیری کنند.»

“د مسخره کېدو له وېرې مې غوره وکړله چې تر هغه وخته انتظار وباسم څو گڼه گونډه خوره شي، يا تر هغه چې وکولای شم د هغوی له پام پرته ننه‌وځم. خو د کمېدو پر ځای شمېر لا زیاتېده، او د ناوخته کېدو له وېرې مې په بې‌پره خپل کور پرېښود او د خلکو له گڼې گونډې مې ځان تېر کړ. معبد ته د رسېدو په خپلې اندېښنې کې مې نه هغه گڼه گونډه لیدله او نه مې پروا ورسره وه چې زما شاوخوا یې نیولې وه. کله چې ودانۍ ته ننوتم، ومې لیدل چې ستر معبد په

یوے لویپ ستنپ ولار و، او له همدې ستنپ سره یو وړي تړل شوی و، چې ټوټې ټوټې او په وینو ککړ و. موږ چې هلته حاضر وو، داسې برېښېده چې پوهېدو دا وړي زموږ په خاطر څیرل شوی او ټپي شوی و. هر څوک چې معبد ته ننوته، باید د هغه مخې ته راتله او په خپلو گناهونو یې اقرار کاوه.

«درست پیش از بره، کرسی‌هایی بلند قرار داشت که گروهی بر آنها نشسته بودند و بسیار شادمان می‌نمودند. نور آسمان چنان می‌نمود که بر چهره‌های ایشان می‌درخشد، و آنان خدا را ستایش می‌کردند و سرودهای شکرگزاری شادمانه می‌سرودند که همچون موسیقی فرشتگان به گوش می‌رسید. اینان کسانی بودند که پیش از بره آمده، به گناهان خود اعتراف کرده، آمرزش یافته بودند، و اکنون با انتظار شادمانه در انتظار وقوع رویدادی مسرت‌بخش بودند.»

«حتی پس از آن که وارد ساختمان شدم، ترسی بر من مستولی شد، و احساسی از شرم که باید خود را در برابر این مردم فروتن سازم. اما به نظر می‌رسید که ناگزیرم به پیش روم، و آهسته‌آهسته راه خود را پیرامون ستون می‌پیروم تا با بره روبه‌رو شوم، که ناگهان شیپور به صدا درآمد، معبد به لرزه افتاد، فریادهای ظفر از قدیسان گردآمده برخاست، روشنایی هولناکی بنا را منور ساخت، سپس همه‌جا در تاریکی مطلق فرو رفت. آن مردم شادمان، همگی همراه با آن روشنایی ناپدید شدند، و من در هراس خاموش شب، تنها بر جای ماندم. با عذابی جانکاه در ذهن بیدار شدم و به‌سختی می‌توانستم خود را قانع سازم که خواب دیده بودم. به نظر می‌رسید که سرنوشت من تثبیت شده است، و روح خداوند مرا ترک کرده و هرگز باز نخواهد گشت.»
شهادت‌ها، جلد ۱، ص. ۲۷.

«جوهر»، یعنی آن‌چه در درون یک‌دهم بازگشته قرار دارد، همان «ستون»ی است که هیکل را نگه می‌دارد. دانیال رؤیای علمی بره‌ای را دید که بر ستون آویخته شده بود، و آن بره همان «ستون» بود. هنگامی که دانیال آن رؤیای عظیم را دید، به صورت ستون دگرگون شد؛ و یک‌دهم اشعیا نیز به همین سان «جوهر» را، یعنی ستون را، در درون خود دارند، و آن جوهر باید به‌وسیله همه کسانی که می‌خواهند به هیکل داخل شوند «خورده» شود. آنان که به هیکل داخل می‌شوند و جوهر را می‌خورند، همان گله دیگر خدا هستند که به پیام علمی که در هنگام قانون یک‌شنبه برافراشته می‌شود پاسخ می‌دهند، آنگاه که در زمین ترک عظیمی پدید می‌آید. «ذریه مقدس»، که همان جوهر اشعیاست، آن بره‌ای است که از بنیاد جهان ذبح شده بود.

دهمینی که باز می‌گردند، از دست شیریران رهایی خواهند یافت، آنگاه که در زمان قانون یک‌شنبه، جدایی فیلادلفیا و لائودیکیه برای ابدیت تثبیت می‌شود و بسیاری در آن هنگام سرنگون می‌گردند. آنان که سرنگون می‌شوند، به‌عنوان همان شیریرانی شناخته می‌شوند که درک نمی‌کنند. همچنین ایشان از دست هولناک رهایی خواهند یافت، زیرا نشان وحش را دریافت نخواهند کرد.

۱۱ خداوند فرماتا: «میں بابل کے بادشاہ نبوکدنصر کے ہاتھ سے مصر کی کثرت کو بھی موقوف کر دوں گا۔ وہ اور اس کے ساتھ اس کی قوم، جو امتوں میں بیبت ناک ہیں، ملک کو تباہ کرنے کے لیے لائے جائیں گے؛ اور وہ مصر پر اپنی تلواریں کھینچیں گے اور ملک کو مقتولوں سے بھر دیں گے۔ اور میں دریائوں کو خشک کر دوں گا، اور ملک کو شیرروں کے ہاتھ بیچ دوں گا؛ اور میں اجنبیوں کے ہاتھ سے ملک کو اور جو کچھ اس میں ہے سب کو ویران کر دوں گا: میں خداوند نے یہ فرمایا ہے۔
یسعیاہ 10: 30-12»

«هولناک امت‌ها» لشکر نیابتی پادشاه شمال است. علمی که در هنگام قانون یک‌شنبه برافراشته می‌شود، از دست باکره‌گان جاهل، یا شیریر، رهایی می‌یابند، و نیز از دست هولناک امت‌ها رهایی داده می‌شوند. مسئله‌ای که در اینجا بدان می‌پردازیم این است که اشعیا، و دانیال، و ارمیا، و حزقیال، و یوحنا، همگی برای نمایاندن قیام و توانمندسازی یک‌صد و چهل و چهار هزار نفری به کار گرفته

شده‌اند که از نومییدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بازمی‌گردند. در رؤیای نهایی دانیال، رؤیایی که نزد نهر حدّیل به او داده شد، دانیال به فهم هر دو جنبه درونی و بیرونی کلام نبوی خدا رسانیده می‌شود، و برای ارائه آن پیام تقویت می‌گردد.

پیام درونی و بیرونی با تعریف نبوی سر، یا «دژ»، در آیه ده با یکدیگر جمع می‌شود؛ تعریفی که جنگ اوکراین را که اکنون به وسیله پوتین در حال اجراست شناسایی می‌کند. آن کلید شناسایی سر، کاربردی درونی و بیرونی دارد، و آغاز آن جنگ دوره‌ای را مشخص می‌سازد که در آن هر دو سر موضوع نبوت می‌شوند. دژ یا سر، به مثابه روسیه، جنگ نیابتی دوم را شناسایی می‌کند؛ جنگی که به جنگ نیابتی سوم می‌انجامد، و آن آغاز جنگ جهانی سوم را نشان می‌دهد، همان‌گونه که در آیه پانزده به وسیله نبرد پانیوم به صورت نمادین ارائه شده است.

شانزدهمین آیه همان قانون یکشنبه است؛ و بنابراین از سال ۲۰۱۴، هنگامی که جنگ اوکراین آغاز شد، چنان‌که در آیات یازده و دوازده به تصویر کشیده شده است، تا زمان قانون یکشنبه، کار نهایی مربوط به مهر شدن قوم خدا به انجام می‌رسد. تفسیر جبرئیل در فصل یازدهم دانیال، نمایانگر پیامی است که قوم خدا را تقدیس می‌کند، یا مهر می‌نهد. غفلت از این حقیقت، به معنای از دست دادن همه چیز است. آن نبوتی که گشوده می‌شود، و در کتاب مکاشفه «مکاشفه عیسی مسیح» نامیده شده است، و کتاب مکاشفه آن را به عنوان چیزی که درست پیش از بسته شدن در فیض گشوده می‌شود معرفی می‌کند، بخشی مشخص از کتاب دانیال است.

اور اُس نے مجھ سے کہا، اِس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراست ہی رہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی رہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست باز ہی رہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ مقدس ہی رہے۔ مکاشفہ 22:10، 11۔

در ایام آخر، زمانی معین وجود دارد که در آن نبوت نهایی گشوده می‌شود، زیرا آیه می‌گوید: «وقت نزدیک است.» همین تعبیر که در فصل آخر مکاشفه آمده است، در فصل نخست نیز یافت می‌شود.

مکاشفه عیسی مسیح، که خدا آن را به او عطا فرمود تا اموری را که می‌باید به زودی واقع شود به بندگان خود نشان دهد؛ و آن را به واسطه فرشته خود فرستاده، بر بنده خویش یوحنا آشکار ساخت؛ همان که بر کلام خدا و بر شهادت عیسی مسیح و بر همه آنچه دیده بود شهادت داد. خوشا به حال آن که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن مکتوب است نگاه می‌دارند، زیرا وقت نزدیک است. مکاشفه ۱۱-۳

دویست و بیست، و از این رو بیست و دو، نماد اتحاد الوهیت با بشریت‌اند؛ و کار نهایی فرشته سوم، که همان مهر کردن صد و چهل و چهار هزار است، در چارچوب نبوی مثل ده باکره به انجام می‌رسد. باکره‌گان خردمند ایام آخر، نخستین یاس خود را در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ متحمل شدند، و چون استخوان‌های مرده در کوچه مکاشفه باب یازدهم پراکنده گشتند، تا ژوئیه ۲۰۲۳، یعنی بیست و دو سال پس از آن که فرایند مهرگذاری در ۲۰۰۱ آغاز شد. «آنگاه وقت نزدیک بود»، و سپس خداوند «آوازی در بیابان» برانگیخت که آن پیام را از جبرئیل دریافت کرده بود؛ جبرئیلی که آن را از مسیح دریافت کرده بود، و مسیح آن را از پدر دریافت کرده بود.

سپس آن صدا آغاز کرد به فرستادن پیام به کلیساها، و این پیام به صورت الکترونیکی ارسال شده است، به گونه‌ای که می‌توان آن را خواند و/یا شنید، و اکنون به بیش از شصت زبان در دسترس است. آن بخش از نبوت که مهرش گشوده شد، یعنی همان پیام، در کتاب دانیال یافت می‌شود.

"هغه کتاب چې مَهر شوی و، وحی نه ده، بلکې د دانیال د نبوت هغه برخه ده چې د اخرو ورځو سره تړاو لري. فرښتې امر وکړ: «خو ته، اې دانیاله، دا خبرې پټې کړه او کتاب تر پایه د

وخت پورې مَهر کړه.» دانیال 12:4. "اعمالُ الرسل، 585.

«بخش نبوتِ دانیال که مربوط به ایام آخر است»، آیه چهل است. این تنها خود آیه چهل نیست، بلکه آن بخشی از آیه چهل است که پس از زمان آخر در سال ۱۹۸۹، و پیش از قانون یکشنبه آیه چهل و یک نمایان شده است. آن تاریخ مربوط به آیه چهل که در خود آیه هیچ ذکر از آن نیامده است، همان بخشی از نبوتِ مربوط به ایام آخر است که مهر شده بود، و از ژوئیه ۲۰۲۳ برای کسانی که برگزینند ببینند و بشنوند، در حال گشوده شدن بوده است.

چهل، هیچ یک از تاریخ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ را تا هنگام قانون یکشنبه آیه چهل و یک ثبت نمی کند؛ اما بسترِ نبوی ای را فراهم می سازد که خطوط دیگر نبوت باید بر آن نهاده شوند. آنان که مایل نیستند ببینند و بشنوند که روش «خط بر خط» همان روش باران آخر است، توانایی دیدن تاریخ پنهان آیه چهل را ندارند؛ و آن همان تاریخی است که «مکاشفه عیسی مسیح» است، که جبرئیل آمد تا آن را برای یوحنا و دانیال تفسیر کند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«در بریه، پولس بار دیگر کار خود را با رفتن به کنشتِ یهودیان برای موعظه انجیل مسیح آغاز کرد. او درباره ایشان می گوید: "این ها از آنان که در تسالونیکي بودند شریف تر بودند، زیرا کلام را با کمال اشتیاق ذهن پذیرفتند و هر روز کتب مقدس را می کاویدند تا ببینند آیا این امور چنین است یا نه. از این رو بسیاری از ایشان ایمان آوردند؛ همچنین از زنان شریف یونانی و از مردان نیز، اندک نبودند."»

«در ارائه حقیقت، آنان که صادقانه خواهان آن اند که بر حق باشند، به جست و جویی کوشا در کتب مقدس بیدار خواهند شد. این امر نتایجی همانند نتایجی پدید خواهد آورد که همراه با خدمات رسولان در بریه بود. اما آنان که در این ایام حقیقت را موعظه می کنند، با بسیاری روبه رو می شوند که درست بر ضدِ بیرانیان اند. ایشان نمی توانند تعلیمی را که به آنان عرضه می شود ابطال کنند، با این حال نهایت اکراه را از تحقیق در شواهدی که در تأیید آن ارائه می شود می دهند، و چنین می پندارند که حتی اگر آن حقیقت باشد، این که آن را به عنوان حقیقت بپذیرند یا نپذیرند، امری کم اهمیت است. آنان می اندیشند که ایمان و رسوم کهنه ایشان برایشان به قدر کافی نیکوست. اما خداوند، که سفیران خود را با پیامی برای جهان فرستاد، مردم را نسبت به شیوه ای که با سخنان خادمان او رفتار می کنند مسئول خواهد شمرد. خدا همه را بر حسب نوری که به ایشان عرضه شده است داوری خواهد کرد، خواه آن نور برایشان آشکار باشد یا نباشد. وظیفه ایشان است که همچون بیرانیان تحقیق کنند. خداوند از طریق نبی، هوشع، می گوید: «قوم من از نبود معرفت هلاک می شوند؛ چون تو معرفت را رد کرده ای، من نیز تو را رد خواهم کرد.»»

«ذهن های پریانیا به سبب تعصب تنگ نشده بود، و آنان مایل بودند حقایقی را که رسولان موعظه می کردند بررسی کنند و بپذیرند. اگر مردم زمان ما از نمونه آن پریانیا، شریف پیروی می کردند، در این که هر روز کتب مقدس را تفحص کنند و پیام هایی را که برایشان آورده می شود با آنچه در آنجا ثبت شده است بسنجند، آنگاه در جایی که امروز یک تن هست، هزاران تن به شریعت خدا وفادار می بودند. اما بسیاری که مدعی اند خدا را دوست دارند، هیچ میلی ندارند که از خطا به سوی حقیقت تغییر کنند، و به افسانه های دل پسندِ ایام آخر می چسبند. خطا ذهن را کور می سازد و از خدا دور می گرداند؛ اما حقیقت به ذهن نور می بخشد و به جان حیات می دهد.»

Sketches from the Life of Paul, 87, 88